

مجموعه تاریخ‌های محلی انقلاب اسلامی - ۴

نهاد در انقلاب

حسین زرینی

نهادند در انقلاب / تدوین حسین زرینی، - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۶، ۲۷۵ ص. (مجموعه تاریخهای محلی انقلاب اسلامی: ۴).

ISBN: 964 - 335 - 714 - 7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۲۷۱ - ۲۷۴.

۱. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷، ۲. ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - ... - نهادند، ۳. نهادند - جنبشها و قیامها، ۴. گروه ابوذر، الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ب. عنوان.

۹۵۵/۰۸۳۵۵۴۲۳۶

۴ ز ۹ ن / DSR ۱۵۶۰

م ۸۳ - ۲۶۸۷۵

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۸۹۰



مؤسسه چاپ و نشر عروج

□ نهادند در انقلاب

○ طرح و نظارت: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) - معاونت پژوهشی

○ تدوین: حسین زرینی

○ ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

○ چاپ اول: ۱۳۸۴

○ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

○ قیمت: ۲۴۰۰ تومان

خیابان انقلاب بین فروردین و قمر رازی، فروشگاه مرکزی تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

خیابان انقلاب تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱ تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

خیابان انقلاب خیابان ۱۲ فروردین شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲ تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

حرم مطهر حضرت امام خمینی(س) ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳ تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: info@imam-khomeini.org

فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	درآمد

بخش اول: ریشه‌های انقلاب اسلامی در نهاوند (۱۳۴۰ به بعد)

۲۳	رحلت آیت الله العظمی بروجردی
۲۵	انقلاب سفید
۲۷	تأثیر قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲
۳۲	بازتاب دستگیری امام خمینی در روستای برزول
۳۳	تبعید امام خمینی و پیامدهای آن
۳۴	مرجعیت امام خمینی (س)
۳۶	توزیع رساله و اعلامیه‌های امام
۴۰	نقش روحانیان بومی در به ثمر رسیدن انقلاب
۴۴	نقش روحانیان غیر بومی در حوادث انقلاب

۵۰	اقدامات دکتر مرتضی لبافی‌نژاد در روستای «ارزینی»
۵۲	نقش هیأت‌های مذهبی و جلسات قرآن در شکل‌گیری افکار انقلابی
۵۳	۱. هیأت‌های مذهبی
۵۵	۲. جلسات قرآن
۵۶	۳. جلسات سخنرانی روحانیان غیر بومی
۵۷	۴. انجمن ضد بهائیت
۵۹	۵. جلسات سیدکاظم اکرمی
۶۰	۶. کلوپ دینی مدرسه ابن سینا
۶۱	۷. مدرسه ملی مهدیه و کتابخانه آن

بخش دوم: پیدایی گروه ابوذری

۶۷	شکل‌گیری گروه ابوذری
۶۹	تشکیلات گروه
۷۰	برنامه خودسازی گروه
۷۱	وضعیت اقتصادی گروه ابوذری
۷۱	روابط گروه با انقلابیان دیگر شهرها
۷۴	اقدامات گروه ابوذری
۷۴	الف) آتش زدن اتومبیل‌های دولتی
۷۵	ب) به قتل رسیدن محمود مؤمنی (دوخوا محمود)
۷۷	ج) منفجر کردن «خانه زنان»
۸۰	د) اقدامات ناتمام گروه
۸۰	کشف گروه ابوذری
۸۰	الف) تلاش برای دستیابی به اسلحه
۸۴	ب) پیامدهای عملیات گروه در قم
۸۵	ج) محاکمه و محکومیت‌های اعضای گروه

۸۸..... (د) بازتابهای شهادت اعضای گروه.

۸۸..... ۱. بازتاب شهادت اعضای گروه در نهادند.

۹۰..... ۲. بازتاب شهادت اعضای گروه ابوذر در رسانه‌ها.

بخش سوم: شکل‌گیری گروه ابوذر ۲

۹۳..... زمینه‌های شکل‌گیری گروه ابوذر ۲.

۹۴..... الف) جلسه منزل محمدرضا علی حسینی.

۹۵..... ب) اعلامیهٔ چهارم شهدای گروه.

۹۶..... تشکیلات گروه.

۹۷..... الف) جلسات گروه.

۹۹..... تقسیم‌بندی اعضای گروه.

۱۰۱..... وضعیت اقتصادی گروه.

۱۰۲..... اقدامات گروه.

۱۰۲..... الف) دستگیری اسد سیف و دو عکاس (اولین ضربه ساواک بر گروه).

۱۰۶..... ب) دستگیری احمدرضا چگینی.

۱۰۸..... ج) آتش زدن منزل حسین ظفری.

۱۰۹..... د) دستگیری محمدکریم کاظمی و عبدالحسین ناصری.

۱۱۴..... احضارهای مکرر محمد ساکی به ساواک.

۱۱۵..... ه) کمک به فقرا و نیازمندان.

۱۱۶..... و) درگیری با پلیس در جلوی منزل خواجه نوری.

۱۱۷..... تلاش برای ترور یک عضو شهربانی.

۱۱۷..... حمله به سینما کسری در تهران.

۱۱۷..... کارهای تبلیغاتی کادر مرکزی گروه در تهران.

۱۱۸..... اعلامیه‌های گروه ابوذر ۲.

۱۲۲..... تاریخچه‌ای کوتاه از مبارزات خلق نهادند.

- دستگیر شدن اعضای کادر مرکزی ۱۲۵
- گروه ابوذر ۲ پس از دستگیری اعضای کادر مرکزی ۱۲۷

بخش چهارم: حوادث انقلاب در نهاوند (سال ۱۳۵۷)

- حوادث انقلاب در شش ماهه آغازین سال ۱۳۵۷ ۱۳۱
- الف) حمله به بانک صادرات و تظاهرات مردمی ۱۳۱
- ب) سخنرانی حجت الاسلام موحدی قمی و حوادث متعاقب آن ۱۳۱
- تبعید حجج اسلام حیدری و زمانیان ۱۴۷
- استقبال از حجج اسلام حیدری و زمانیان ۱۵۱
- دستگیری مجدد حجت الاسلام حیدری و عده‌ای از مردم شهر ۱۵۲
- تظاهرات دانش‌آموزان و اعتصاب فرهنگیان ۱۵۵
- مراسم بزرگداشت شهدای همدان ۱۵۷
- تلگرافهایی در حمایت از امام خمینی ۱۶۰
- تظاهرات دانش‌آموزان و مردم در آبان ۱۳۵۷ ۱۶۳
- تظاهرات مردمی و پایین کشیدن مجسمه شاه ۱۶۵
- واکنش مردم نهاوند به حوادث مشهد مقدس ۱۷۱
- تعطیلی آموزشگاهها و بازار در ماه محرم ۱۷۲
- تاسوعا و عاشورا (۱۹ - ۲۰ آذر ماه ۱۳۵۷) ۱۷۳
- واکنش به کشتار در بیمارستان شاهرضای مشهد (امام رضا «ع») ۱۷۸
- نهاوند از نگاه مطبوعات - دی ۱۳۵۷ ۱۸۴
- حمله مأموران به روستای جهان آباد ۱۹۴
- ارسال اسلحه به نهاوند ۱۹۶
- فرار شاه ۱۹۷
- اربعین حسینی ۱۹۸
- کمکهای مردم کشور به نهاوند ۱۹۸

۲۰۱	کمک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
۲۰۱	کمک مردم بیچار
۲۰۱	هیأت اعزامی از سوی آیت الله یحیی نوری
۲۰۳	هیأت اعزامی از سوی آیت الله العظمی گلپایگانی
۲۰۳	کمکهای ارسالی آیت الله شاه آبادی
۲۰۵	انحلال ساواک نهاوند
۲۰۵	استقبال از امام خمینی (س) در تهران
۲۰۷	حوادث روزهای مقارن با پیروزی انقلاب
۲۰۸	سرانجام برخی عوامل رژیم
۲۱۱	ضمایم
۲۱۳	نمایه ها
۲۴۱	اسناد
۲۵۷	عکسها
۲۶۹	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

قرن بیستم را می‌توان قرن انقلابهای بزرگ خواند، قرنی که از نخستین سالها و دهه‌هایش تا پایان، شاهد خیزشها و قیامهای کوچک و بزرگ انبای بشر در جای جای کرهٔ خاکی بود؛ انقلاب اکتبر روسیه، انقلاب چین، قیامهای متعدد در آفریقا و... شواهد این مدعایند. فصل مشترک بیشتر این خیزشها، الگویذیری از مکتب مارکسیسم و قرار گرفتن در قالب مبارزهٔ طبقه‌ای علیه طبقهٔ دیگر بود.

وقوع انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های آخر قرن بیستم با ویژگیهای منحصر به فرد، آشکارا مکتبی جدید برای انقلاب به بشریت عرضه کرد و واژهٔ انقلاب را از انحصار یک مبارزهٔ صرفاً طبقاتی نجات داد.

انقلاب اسلامی ایران هرگز فریاد یک طبقه علیه طبقه‌ای دیگر نبود، جنگ کارگران بر ضد کارفرمایان، نبرد دهقانان علیه مالکان، و کارزار بین روستاییان و شهریان نبود، انقلاب اسلامی ایران فریاد اعتراض ملتی بزرگ بود علیه ظلم، بی‌عدالتی، بی‌دینی، وابستگی، استبداد، استعمار و... فریادی بود که همزمان از حلقوم میلیونها انسان برکشیده می‌شد و خواب از سر ستمگران می‌ربود؛ انسانهایی که چونان صفی مرصوص بی‌هیچ واهمه‌ای راه عبور گلوله‌های آتشین را سد کرده بودند؛ و در این صف، سیمای مصمم مردان و زنانی دیده می‌شد که نمایندهٔ همهٔ طبقات شهری و روستایی بودند؛ معلم و دانش‌آموز، استاد و دانشجو، مجتهد و طلبه، کشاورز و کاسب، کارگر و کارمند، و

در آخر حتی نظامیانی که قرار بود رو در روی این مردم باشند. همه یک رهبر داشتند؛ امام خمینی. همه یک هدف داشتند؛ سرنگونی شاه و برپایی جمهوری اسلامی.

اگر به شهرهای دور افتادهٔ مرزی می‌رفتی، همان شعارها را از زبان مردم می‌شنیدی که در تهران شنیده بودی؛ اگر به روستاها می‌رفتی، همان عکسهای را از محبوب دلها می‌دید که در قم و تهران دیده بودی؛ اگر پای حرفهای ساده و صادقانهٔ پیرمرد روستایی می‌نشستی، همان حرفهایی را می‌شنیدی که پای منابر تهران و قم و مقابل دانشگاه تهران شنیده بودی. از جلفا تا چابهار، و از سرخس تا خرمشهر مشتای گره کرده از سرهای پرشور بالا زده، سینهٔ آسمان را شکافته و از «شاه ظالم» بیزاری می‌جستند. راستی، چه شده بود؟ کدامین دست و کدامین زبان راه را به این مردم نشان داده بود؟ قلبها از چه روپولادین گشته و در مقابل تیرهای بلا از طیش نمی‌افتاد؟ قدمها را چه کسی محکم کرده بود که هیچ تندبادی آنها را نلرزاند؟ چگونه شد که لبها به گاه شکنجه و شهادت، ذکر خدای می‌گفت و متبسم می‌شد؟ پوست نازک بدنها چه تحملی یافته بود که زیر تازیانه‌ها تاب می‌آورد و تسلیم نمی‌شد؟ راستی راز اینهمه مقاومت و همراهی چه بود؟

آری آن روز، مردی از تبار صالحان، دلهای مردم را خدایی کرد و دست خدا، دستان مردم را در دستان او حلقه زد. خمینی، بزرگی بود که هیچ چیز برای خود نمی‌خواست و بزرگی‌اش در سایهٔ بندگی بی‌چون و چرای خدا حاصل شده بود. عَلمی که خمینی در مبارزه با شاه برافراشت به اسم «رب» بود، پس در راه «او» همه چیز قابل تحمل می‌شد؛ ترس از دلها می‌رفت، شور به سرها می‌آمد و دیگر خون و جان که پر قیمت‌ترین‌ها بودند، بی‌ارزش می‌شد. مردم ایران همه خدایی شدند و رنگ خدا گرفتند و خدا قدرتی به آنان عطا کرد که چیزی در اندازهٔ معجزه حادث شد؛ راستی، قدر و قیمت غالب شدن مردمی بی‌سلاح، بر ارتشی سر تا پا مسلح، که دهها هزار مستشار نظامی و امنیتی امریکایی و اسرائیلی آخرین و تازه‌ترین راههای سرکوب را به آنان می‌آموختند کمتر از پیروزی طالوت بر جالوت بود؟ کمتر از غلبهٔ عصای موسی بر سحر و جادوی ساحران کفر بود؟ و آیا تلخی شکستی که در کام حاکمان خودرأی و سرسپردهٔ آن روز و حامیان‌شان نشست

از تلخی‌ای که در کام کافران و مشرکان در جنگ خندق نشست کمتر بود؟ آنجا دست خدا بود و اینجا نیز بی شک دست خدا.

و ما سر آن داریم که در حدّ توان اندک خویش و البته با استناد به مدارک و شواهد عینی، آنچه از این معجزه بزرگ - که رسم کردنی است - رسم کنیم و به رسم یادگار در حافظه تاریخ بنشانیم. بنویسیم و ثبت کنیم که در گوشه گوشه ایران چه اتفاق افتاد و چه گذشت؟ مردم چه می خواستند؟ چگونه می خواستند؟ چرا می خواستند؟ هادی‌شان که بود؟ در دستشان چه بود؟

بنویسیم تا آیندگان بدانند انقلاب اسلامی ایران، شورش طبقه‌ای علیه طبقه دیگر نبود. قیام یک گروه خاص نبود، همه طبقات و همه اقشار حاضر بودند، شاید سهم محلی بیش از محلی دیگر بود، اما هیچ کجایی سهم نماند؛ بنویسیم تا آیندگان بدانند دم مسیحایی خمینی همان اثر را که بر دل شاگردان قم و نجف‌اش بخشید، بر دلهای ساده و بی‌پیرایه مردمان خوب دیگر شهرها و روستاها نیز باقی گذاشت. این حق نسلهای آینده است که بدانند پدرانشان در چهارگوشه وطن یکدل و یکصدا به هر چه زشتی و پلشتی است، «نه» گفتند. برای حاکم شدن عدالت و آزادی و جاری شدن احکام خدا جانفشانی کردند.

دفتر تدوین تاریخهای محلی انقلاب اسلامی از ابتدای سال ۱۳۷۷ در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی پا گرفت تا مهمترین دستاورد زندگی پربرکت امام (که همان انقلاب اسلامی باشد) را شناسایی و معرفی نماید. دفتر تدوین برای آنکه تصویری واقعی و کامل از این حادثه بزرگ به دست دهد بر آن شد تا جزئیات رخدادهای انقلاب را شهر به شهر و روستا به روستا بکاود و در دل تاریخ ثبت کند؛ این شیوه و روش تاریخ نگاری همان است که اصطلاحاً «تاریخ محلی» نام گرفته و نمونه‌هایی از این دست، که در برگیرنده حوادث مناطق مختلف کشور در ادوار گوناگون تاریخند کمابیش در نزد محققان و مورخان شناخته شده است.

تفاوت اصلی و عمده این کتاب «تاریخ محلی» با کتاب «تاریخ عمومی» در این است که در اولی حوادث یک شهر یا منطقه محدود و کوچک با تمام جزئیات و ریزه کاریهایش

مورد توجه مورخ قرار می‌گیرد، اما در دومی، غرض و هدف، پرداختن به تمام جزئیات نیست، بلکه شناسایی، معرفی و بحث پیرامون موارد اصلی و عمده آن دوره یا پدیده و جهة همت مورخ است.

عظمت و گستردگی حوزه جغرافیایی انقلاب اسلامی ایران می‌طلبد که تا حد ممکن رخدادهای تمام این حوزه وسیع بررسی و ثبت و ضبط گردد و تنها به ذکر اخبار حوادث چشمگیر در شهرهای بزرگ بسنده نشود.

دفتر تدوین تاریخهای محلی انقلاب اسلامی با احساس این رسالت بزرگ، قدم در راهی خطیر نهاده که امید است بایاری خدا و حمایت آنان که به اصالت این حرکت ایمان دارند، بتواند با موفقیت آن را به آخر رساند.

روش تحقیق

روش تحقیق در تاریخ، ارتباط تنگاتنگی با نوع منابع تحقیق دارد. مثلاً اگر اطلاعات لازم فقط در متون مکتوب قابل دسترسی باشند، باید از شیوه تحقیق کتابخانه‌ای سود جست؛ و اگر از مشاهده آثار مادی برجای مانده نتیجه حاصل شود باید به تحقیق میدانی پرداخت.

امروز برای پژوهشگری که قصد تحقیق در تاریخ انقلاب اسلامی را دارد، دسترسی به دو گونه منبع متصور است: ۱. منابع شفاهی ۲. منابع کتابخانه‌ای و اسناد.

اکنون که نزدیک به ربع قرن از پیروزی انقلاب می‌گذرد، بیشتر شاهدان و ناظران حوادث انقلاب و مردمی که خود در صحنه حضور داشتند، در عرصه حیات حاضرند و به عنوان منابعی زنده و قابل اعتماد در دسترس پژوهشگر قرار دارند. در واقع، حضور این شاهدان امتیازی برای تاریخ نگاری انقلاب محسوب می‌شود و ضرورت دارد که آنچه در سینه‌های این گروه است قبل از سپری شدن فرصتها، از محبس سینه خارج شده و در آرشیوهای مطمئن قرار گیرند؛ هر چند تعدادی از شاهدان، در طول سالهای اخیر، رخ در نقاب خاک کشیده و به سرای باقی شتافته‌اند. دفتر تدوین تاریخهای محلی انقلاب اسلامی، برای استفاده از این منابع شفاهی، دست به شناسایی افراد مؤثر و مطلع در

شهرهای مورد تحقیق زده و موفق به یافتن بسیاری از آنها شده است. پس از شناسایی، برای برقراری ارتباط و نهایتاً انجام مصاحبه با این افراد راههای مختلفی مورد استفاده قرار گرفت. دومین منبع تاریخهای محلی انقلاب اسلامی مکتوباتی است که تاکنون در قالب روزنامه، نشریه و یا کتاب منتشر شده و در آرشیوها و کتابخانه‌ها در دسترس است. همکاران دفتر تدوین برای ثبت رخداد‌های انقلاب در شهرهای مورد نظر، تمامی نشریات و کتابهای موجود در کشور را که مرتبط با موضوع هستند، شناسایی و اقدام به فیش‌برداری موضوعی نمودند. اسناد را نیز باید به این دسته از منابع اضافه کرد. این اسناد در برگیرنده گزارشهای دستگاههای انتظامی، سیاسی و امنیتی رژیم پهلوی، اعلامیه‌ها، نامه‌ها و پیامهای رهبر انقلاب، روحانیون و گروههای مختلف می‌باشند و از جمله منابع اصلی به شمار می‌آیند که محققان را به سرچشمه حوادث و وقایع رهنمون می‌سازند. بخش اعظم این اسناد اکنون در اختیار سازمانهای نظامی، انتظامی و امنیتی است که بعضاً شروع به انتشار آن نموده‌اند و بخشی دیگر در جاهای مختلف و از جمله در دست مبارزین آن سالهاست. دفتر تدوین برای دستیابی به این منابع تلاش فراوانی نمود که خوشبختانه اغلب مؤسسات و سازمانها کمال همکاری را انجام دادند. بنابراین دفتر تدوین، با توجه به منابعی که برای تحقیق متصور بود، روش تحقیق خود را بر پایه مطالعات میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در اسناد گذاشت.

دشواریهای تحقیق

هر تحقیق و پژوهشی، بسته به موضوع آن، دشواریها و موانعی دارد که بعضاً در روند تحقیق ایجاد مشکل کرده و نتایج آن را مخدوش می‌سازد. در تحقیق حاضر مشکل جدی و حل ناشدنی تاکنون بروز نکرده است، اما بعضاً دشواریهایی وجود داشته که تا اندازه‌ای بر سرعت امر تحقیق مؤثر بوده است. بیشتر این دشواریها در بخش مطالعات میدانی ظهور و بروز داشته که عمده‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. شماری از تاریخ‌سازان انقلاب تاکنون در رده‌های مختلف مدیریتی کشور جای گرفته‌اند و دسترسی به آنها متأسفانه کار چندان ساده‌ای نیست. دفتر برای دسترسی به

این مدیران از چند راه اقدام کرد: نامه‌نگاری رسمی، تماس تلفنی: استفاده از رابطه و واسطه و... که متأسفانه در برخی موارد نتیجه مثبتی حاصل نشد و در مواردی دیگر، دیدار آنچنان به سختی دست داد که اگر ضرورت ثبت تاریخ نبود، شاید این زحمت را برخود هموار نکرده و از خیر آن می‌گذشتیم. البته در این میان، بزرگوارانی بودند که در اولین ارتباط، قول مساعد دادند و حتی به جای آنکه بنشینند تا مصاحبه‌گر، به سراغشان رود، زحمت کشیده و کریمانه در محل دفتر حضور یافتند.

۲. برخی از صاحبان اخبار و خاطرات به دلایل و انگیزه‌های گوناگون از گفتن آنچه در سینه داشتند سر باز زدند و اصطلاحاً با گفتن یک «نه» خود را خلاص کردند. از جمله دلایلی که این گروه برای عدم همکاری مطرح نمودند، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- رقابتهای سیاسی موجود در جامعه و احتمال سوء استفاده از گفته‌های آنان به نفع و یا علیه یک جریان...

- عدم وجود ضمانت عملی برای عدم سوء استفاده از ذکر سوابق افراد و همکاری با اشخاص و جریاناتی که اکنون مقبول نظام نیستند.

- نارضایتی از برخی سیاستهای جاری.

- از بین رفتن ثواب احتمالی اعمال انقلابی.

۳. برخی از افرادی که مانع و مشکلی برای همکاری نداشتند، جزئیات برخی از حوادث و وقایع را فراموش کرده و حافظه‌شان برای یادآوری آن مسائل یاری‌شان نمی‌کرد. برخی نیز، تاریخ یا موضوع حوادث را خلط کرده و از ترسیم خطوط دقیق یک حادثه عاجز ماندند.

علی‌رغم همه این موانع، مصاحبه‌گران دفتر، موفق به انجام مصاحبه با تعداد قابل توجهی از راویان حوادث انقلاب شدند. مصاحبه‌ها بر روی نوار کاست ضبط شد، آنگاه بر دل صفحه کاغذ تحریر گردید و پس از آن، هر خاطره مورد ارزیابی و کنترل قرار گرفت تا نکات مبهم و یا سؤالات تازه از آن استخراج شده و با همکاری صاحب خاطره تکمیل گردد.

مقطع زمانی و قلمرو تحقیق

پدیده‌های تاریخی معمولاً ریشه در حوادث گذشته و قدیمی‌تر دارند و بررسی یک پدیده، مستلزم نقب زدن در دل تاریخ و تحلیل رخدادها و وقایعی است که در مسیر آن ظهور و بروز یافته است. انقلاب اسلامی ایران نیز بی‌تردید از شمول چنین منطقی خارج نیست و ریشه‌های آن را باید دست کم در حوادث یک قرن اخیر جستجو کرد. در عین حال پرداختن به آن رخدادها که تعدادشان کم نیست، وقت و امکاناتی می‌طلبد که حداقل در حال حاضر در دسترس نیست و بیم آن می‌رود که پرداختن به آن فراز و نشیبها، عملاً چنان مشغله‌ای بیافریند که تا سالها نوبت به بررسی حوادث انقلاب نرسد، که البته این مطلوب ما نیست.

با توجه به این واقعیت، مناسب دیده شد تا در حال حاضر، شروع تحقیق از سال ۱۳۴۰ شمسی، یعنی درگذشت آیت‌الله العظمی سیدحسین بروجردی (ره) که سرفصل مهمی در شکل‌گیری جریان مبارزه به رهبری امام خمینی (س) علیه نظام استبدادی پهلوی به شمار می‌رود باشد. دقیقاً از همین سال است که شاه احساس می‌کند مانع بزرگی از سر راهش برداشته شده و دیگر می‌تواند بی‌هراس از قم و نفوذ مرجعیت، دست به هر اقدامی بیازد و در همین سال است که تمام هم و غم دستگاه عریض و طویل سلطنت، بر انتقال مرجعیت به خارج از مرزهای ایران قرار می‌گیرد و مراجع داخل مورد بی‌مهری و بی‌اعتنایی رژیم واقع می‌شوند، و باز از همین سال است که بتدریج مردی از قم ظهور می‌کند که دیدگان بهت‌زده شاه و حکومتش را خیره و خیره‌تر می‌سازد. پس مقطع زمانی تحقیق، تمامی حوادث و فراز و نشیبهایی را دربر می‌گیرد که ملت ایران و جهان در خلال سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۸ (رفراندوم عمومی و استقرار رسمی نظام جمهوری اسلامی) شاهد و ناظر آن بوده است.

بر این اساس فصل‌بندی و فهرست موضوعی هر کتاب عمدتاً به شرح زیر خواهد بود:

فصل ۱: حوادث سال ۱۳۴۰

۱. بازتاب درگذشت آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)

- مجالس عزاداری و متولیان آن
- چگونگی عزیمت هیأت‌های عزادار به قم
- ۲. مطرح شدن مرجعیت امام
- حدود اقبال مردم
- کانون‌های طرح مسأله (مساجد، مدارس قدیم و جدید، هیأت‌ها و...)
- تلاش‌ها و موانع طرح مرجعیت امام

فصل ۲: حوادث سال ۱۳۴۱

- ۱. موضوع انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بازتاب آن در بین مردم
- چگونگی مخالفت مردم
- ۲. انقلاب سفید و رفراندوم ششم بهمن
- ماجراهای پیزامونی پخش اعلامیه امام مبنی بر تحریم رفراندوم
- بازتاب اعلام عزای عمومی از سوی امام به مناسبت عید نوروز

فصل ۳: حوادث سال ۱۳۴۲

- ۱. بازتاب حادثه دوم فروردین قم
- ۲. ارتباط علما و مردم شهرستانها با قم و بیت امام
- ۳. بازتاب قیام ۱۵ خرداد در شهرستانها و پیامدهای آن (دستگیرها، حکومت نظامی و...)
- ۴. بازتاب آزادی امام از زندان

فصل ۴: حوادث سال ۱۳۴۳ تبعید امام و پیامدهای آن

- ۱. تبعید امام و پیامدهای آن
- ۲. سالگرد قیام ۱۵ خرداد

۳. بازتاب انتقال امام از ترکیه به عراق

فصل ۵: تداوم مبارزه از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۵

۱. عوامل تداوم طرح مرجعیت امام
۲. عوامل مرتبط با امام، نمایندگان شرعی، عوامل ارتباط با حلقه مبارزاتی امام در ایران (قم)، ارسال وجوهات، دریافت رساله
۳. عوامل و کانونهای پخش رساله (مدارس، کتابفروشیها، مساجد و...)
۴. عوامل و کانونهای پخش اعلامیه، نوار، کتاب ولایت فقیه و...
۵. چهره‌های شاخص مقاومت، ممنوع المنبرها، تبعیدها، زندانیها، زندگینامه شهیدان آن سالها
۶. کانونهای حمایت از مبارزین، سرزدن به تبعیدها و خانواده زندانیها
۷. اقدامات و مواضع علیه روحانیون درباری و عناصر همگام با رژیم
۸. مجالس روضه‌خوانی، منبرهای انقلابی و برخورد رژیم با آنها
۹. کانونها و اقدامات فرهنگی، آموزشی انقلابیون
۱۰. تشکلهای و فعالیتهای سازمان یافته
۱۱. جلوه‌های بارز مقاومت در مقابل اقداماتی مانند: جشنهای ۲۵۰۰ ساله، تأسیس حزب رستاخیز و...
۱۲. بازتاب پیامها و احکام امام مانند تحریم معامله با عمال یهود و...
۱۳. مقابله با فساد و فحشا

فصل ۶: حوادث سال ۱۳۵۶

۱. گسترش فعالیتهای سیاسی و واکنش در مقابل حوادثی چون: درگذشت مشکوک دکتر علی شریعتی
۲. مجالس ماه رمضان سال ۱۳۵۶
۳. شهادت آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی و بازتاب آن (محل برگزاری مجالس،

جمعیت و ترکیب آن، نحوه برخورد رژیم)

۴. مجالس محرم سال ۱۳۵۶

۵. بازتاب قیام مردم قم در ۱۹ دی در اعتراض به انتشار مقاله توهین آمیز

۶. بازتاب قیام ۲۹ بهمن تبریز (چهل شهدای قم)

فصل ۷: حوادث سال ۱۳۵۷

۱. چهل شهدای تبریز

۲. چهل شهدای یزد و...

۳. سالگرد درگذشت دکتر علی شریعتی

۴. تحریم جشنهای نیمه شعبان در اعتراض به جنایتهای رژیم شاه

۵. حرکت‌های انقلابی در ماه مبارک رمضان و عید فطر

۶. سلسله راهپیمایها و تظاهرات (سازمان دهندگان، شعارها، سخنرانان، جمعیت،

مسیر)

۷. حوادث خاص شهرستان

۸. واقعه ۱۷ شهریور

۹. اعتصابات و تحصنها (مدارس، بازار، صنایع، دانشگاهها و...)

۱۰. حوادث ماه محرم

۱۱. بازتاب فرار شاه

۱۲. استقبال از امام (۱۲ بهمن ۵۷)

۱۳. حوادث روزهای آخر مبارزه در بهمن ماه (نحوه تصرف پایگاههای رژیم، فرار

سربازان و...)

۱۴. چگونگی شکل‌گیری کمیته انقلاب اسلامی (افراد مؤثر، محل استقرار...)

۱۵. سرانجام عوامل سرکوبگر (محاکمه‌ها، اعدامها و...)

۱۶. میزان رأی مردم به جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸

۱۷. اولین انتصابات در جمهوری اسلامی

فصل ۸:

۱. استقبال و تجلیل از زندانیان آزاد شده، پیگیری امور دستگیرشدگان و زندانیهای

سیاسی

۲. شبکه اطلاع‌رسانی مبارزین (اعلامیه، نوار و...)

۳. برخوردهای مسلحانه (ترور عوامل رژیم، انفجار پایگاهها، شیوه دسترسی به

سلاح و...)

۴. عوامل و نیروهای مؤثر در حرکت‌های انقلابی (دستگیرشدگان، مجروحان، شهدا

و...)

۵. عوامل نفوذی رژیم در بین انقلابیون

۶. شعارها، سرودها، پارچه‌نوشته‌ها، دیوارنوشته‌ها

بدیهی است که انجام چنین کاری با این ابعاد از عهده یک نفر به تنهایی ساخته نیست

و همکاری عوامل مختلفی را می‌طلبد.

بنابراین، مجموعه کتابهای تاریخ انقلاب اسلامی شهرها را باید حاصل کاری گروهی دانست که زیر نظر دفتر تدوین به سرپرستی برادر فاضل جناب آقای محمدجواد مرادی‌نیا شکل گرفته و پدید آمده است؛ و از این بابت کار ایشان در خور تقدیر و تشکر می‌باشد. و اما تحقیق و تألیف کتاب حاضر عمدتاً با زحمات آقای حسین زرینی میسر شده؛ و بجاست از ایشان و نیز از همکاری خانم رزا ناظم به خاطر مطالعه متن چاپ نشده کتاب و نظرات تفصیلی وی که موجب غنای هر چه بیشتر اثر شد، و نیز آقای مجید زمان‌پور برای بازخوانی متن کتاب و انجام اصلاحات فنی قدردانی به عمل آید.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)

معاونت پژوهشی

دفتر تدوین تاریخهای محلی انقلاب اسلامی

پیشگفتار

از سال ۱۳۷۲ که با تحصیل در رشته تاریخ در دانشگاه شیراز وارد دنیای پر رمز و راز و اقیانوس وار تاریخ شدم، به علت علاقه‌ای که فطرتاً هر شخص به زاد بوم خود دارد، پیوسته حسی مرا به جستجوی ردپای نهان‌ها در تاریخ پرفراز و نشیب ایران سوق می‌داد. خوشبختانه در برگ برگ تاریخ قطور این کشور، از آغاز تاکنون همواره نهان‌ها درخششی خاص داشته است؛ اما متأسفانه هیچ منبع مکتوب مستقلی در مورد تاریخ این شهر به چشم نمی‌خورد.^۱

از همان زمان با خود عهد بستم که در راه رفع این نقیصه گام بردارم و در حد توان خود، برای آیندگانی که در این مرز و بوم و آن سامان خواهند زیست، مطالبی چند به یادگار بگذارم، تا آنها همچون من کتابخانه‌ها را به امید اورا قی چند در مورد تاریخ نهان‌ها زیر پا نگذارند؛ و هیچ حاصلشان نباشد. این مسأله موجب شد تا از همان زمان به جمع‌آوری مطالب مربوط به نهان‌ها از منابع مختلف بپردازم.

در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۶-۷۸) که مطالعات خود را بر روی تاریخ معاصر ایران متمرکز کردم، باز نهان‌ها را شهری مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران دریافتم؛ و متأسفانه نقش آن در این راستا نیز به‌خوبی

۱. در سال ۱۳۷۹ تنها منبعی که اختصاصاً به تاریخ نهان‌ها پرداخته است، به اسم نهان‌ها در هزاره‌های تاریخ؛ تألیف سید شمس‌الدین سیدان به زیور طبع آراسته شد. در این زمینه مؤسسه فرهنگی علیمزادیان در تهران نیز بارقه‌های امیدی را به‌وجود آورده است.

هویدا نشده است. بنابراین وظیفه خود دیدم که برای روشن کردن گوشه‌هایی از تاریخ ایران در منطقه‌ای همچون نهاوند، و ادای دین به زادگاهم^۱ قسمتهایی از تاریخ معاصر این شهر - که جدای از تاریخ معاصر ایران نیست - را به رشته نگارش در آورم.^۲

پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در مقطع مذکور به پیشنهاد آقای محمدجواد مرادی‌نیا، مسئول دفتر تدوین تاریخ محلی انقلاب اسلامی ایران در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) که خود با نگارش خمین در انقلاب^۳ اولین گام را در راه ثبت و ضبط حوادث انقلاب در شهرستانها در این مؤسسه برداشته است، بر آن شدم که با نگارش نهاوند در انقلاب اسلامی گوشه‌های ناگفته‌ای از حوادث و وقایع مربوط به انقلاب اسلامی را در این شهرستان در فاصله زمانی ۱۳۴۰-۱۳۵۷ به رشته نگارش در آورم. برای جمع‌آوری این مجموعه سعی شده است تا حد امکان با افرادی که به نحوی در جریانات منجر به انقلاب در نهاوند نقش یا خاطره‌ای داشته‌اند، مصاحبه شده و از خاطرات آنها - که منابع دست اول تاریخ انقلاب به‌شمار می‌آید - به نحو احسن استفاده شود. برای این کار مصاحبه‌های حضوری با چندین نفر صورت گرفته که فهرست کامل آنها در پایان کتاب آمده است. متأسفانه امکان مصاحبه با بسیاری از افرادی که در جریانات انقلاب در نهاوند نقشی عظیم داشته‌اند، به علت مرگ طبیعی، شهادت، نقل مکان آنها به دیگر شهرها و... فراهم نشد؛ اما با این حال برای دستیابی به بیشترین اطلاعات از این طریق مسافرت‌هایی به قم و... به عمل آمد که ذکر جزئیات همه آنها موجب طولانی شدن کلام می‌گردد. در حین جستجو برای یافتن افراد مؤثر انقلاب در نهاوند به چندین نوار مربوط به سخنرانیهای پیش از انقلاب در نهاوند برخورددم، که از آنها در جای مناسب و ضمایم کتاب استفاده شده است.^۴ متن نوارهای مصاحبه و

۱. نگارنده در سال ۱۳۵۲ در روستای بیان از توابع نهاوند پا به عرصه وجود نهاده است.
۲. بدین منظور پایان‌نامه تحصیلی خود را در دانشگاه شهید بهشتی در مورد «گروه ابوذر» نهاوند، که نامشان در تاریخ معاصر و مبارزات مردم ایران جاودانه شده است، به رشته تحریر در آورده‌ام.
۳. مرادی‌نیا، محمد جواد؛ خمین در انقلاب؛ ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۷.
۴. نوارهای مربوط به سخنرانی حجت الاسلام موحدی قمی و چندین جلسه سخنرانی حجت الاسلام دکتر حسن روحانی را آقای محمد شعاعی و نوار مربوط به سخنرانی حجت الاسلام احمد زمانیان را شخص وی

سخنرانیهای فوق با کمک برادرزاده‌ام، محمد زرینی روی کاغذ پیاده و بازنویسی شده و در جای مناسب از مطالب آنها بهره‌برداری شده است. افزون بر این مصاحبه‌ها از مصاحبه‌های موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از افراد مؤثر در انقلاب انجام شده و چند مورد از آنها به نهاوند مربوط بود و نیز از دست نوشته‌های آقای عزیزالله رضوی (که حاضر به مصاحبه نشد) و مرحوم حاج درویش عصار (که از طریق دکتر حسین داودی، مسئول مؤسسه فرهنگی علیمرادیان به دست نگارنده رسید) استفاده شده است.

علاوه بر مصاحبه‌ها، اسنادی که از ساواک، شهربانی و سایر ارگانهای رژیم گذشته به جا مانده است، منابع خوبی برای روشن کردن گوشه‌هایی از تاریخ معاصر نهاوند به شمار می‌آمدند، که از آنها نیز به فراخور موضوعات و در جای مناسب استفاده شده است. در این راستا تعداد زیادی سند در مرکز اسناد انقلاب اسلامی نگهداری می‌شود. علاوه بر آنها تعداد زیادی سند و اوراق دیگر از حجت الاسلام شهید محمدعلی حیدری، رهبر مبارزات انقلابی مردم نهاوند، که توسط آقای محمد شعاعی و سعید حیدری (فرزند شهید) در اختیار اینجانب نهاده شد که از آنها نیز در جای خود استفاده شده است. افزون بر موارد فوق، چند سند دیگر هم توسط حجت الاسلام احمد زمانیان، نماینده پیشین مردم نهاوند در چهار دوره مجلس شورای اسلامی، آقای ابوالفتح مؤمن، آقای احمد رضا چگینی (که یک نسخه از نشریه گروه ابوذر را در اختیارم نهاد) و آقای سوری، مسئول واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی نهاوند (که پرونده شهدا و عکس آنها را در اختیارم نهاد) به دست نگارنده رسیده است که لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از تک تک آنها اعلام نمایم.

قسمت عمده دیگر مطالب این اثر از خلال روزنامه‌ها، مجلات و کتبی که به نحوی به حوادث انقلاب اسلامی در نهاوند اشاره کرده بودند و نگارنده در طی سالها تلاش و کوشش به آنها دست یافته بود، استخراج و به کار گرفته شده است. در پایان کتاب

تصاویری از تظاهرات و عکس شهدای انقلاب در نه‌اوند آمده است که چهار تصویر اول آنها را آقای کرمخدا پوراسد (عکاسی سایه نه‌اوند) و دو تصویر را آقای اسد سیف و مابقی (عکسهای شهدا) را واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی نه‌اوند به‌دنبال نامه‌نگاری مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) در اختیار اینجانب نهاده‌اند، که جا دارد همین‌جا از همه آنها نیز تشکر نمایم؛ و همچنین از زحمات آقای محمدجواد مرادی‌نیا که در مراحل مختلف این اثر نگارنده را یاری، و سرکار خانم ناظم و جناب آقای احمدرضا چگینی که پیش‌نویس این اثر را مطالعه و نکاتی را یادآوری نموده‌اند نیز تشکر و قدردانی نمایم.

در پایان لازم به توضیح است که این اثر فقط کوششی در جهت بیان حوادث و رویدادهای مربوط به انقلاب اسلامی در نه‌اوند در فاصله سالهای ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ شمسی بوده و خواننده نیز باید با توجه به پراکندگی و گستردگی مطالب این دوره تاریخی، که برآستی یکی از سرنوشت‌سازترین دوره‌های تاریخ ایران بوده و به دنبال آن طومار حکومت ۲ هزار و پانصد ساله شاهنشاهی در نورددیده شد، از آن انتظار داشته باشد.^۱ بدیهی است نگارنده به هیچ وجه ادعای بی نقص بودن و بیان تمام حوادث را ندارد، اما سعی شده بیشترین آنها را بیان کند. با این حال امید آن دارم که کسانی که خود نقش آفرینان حوادث انقلاب در نه‌اوند بوده و یا خاطراتی از آن را در ذهن دارند، قلم و کاغذ به دست گیرند و در راستای تکمیل این اثر و ماندن منبعی ارزشمند برای نسلهای آینده در این مورد، آنها را به رشته تحریر درآورند.

حسین زرینی

تهران، امامزاده قاسم، زمستان ۱۳۸۰

۱. بدیهی است رشته بسیاری از حوادث منجر به وقوع انقلاب اسلامی را نه در سالهای مذکور، بلکه در سالهای بیشتر تاریخ ایران باید جستجو کرد که در این اثر مجال پرداختن به آنها نبود.

درآمد

در تقسیمات کنونی کشور ایران، نهاوند در جنوبی‌ترین نقطه استان همدان و در میان شهرهای ملایر، تویسرکان (استان همدان)، بروجرد، نورآباد (استان لرستان)، هرسین، صحنه و کنگاور (استان کرمانشاهان) واقع شده است. نهاوند در دره‌ای زیبا و حاصلخیز قرار دارد که از رودخانه دائمی «گاماسیاب» مشروب شده و اطراف آن را قسمتهایی از کوههای زاگرس - که در محل گرین (غرب و جنوب غربی)، کوه سفید، آردشان، شادمانه (شرق و شمال شرقی) نامیده می‌شوند - فراگرفته است. شهرستان نهاوند ۱۴۶۱ کیلومتر مربع وسعت، و طبق آخرین سرشماریها حدود دویست هزار نفر جمعیت دارد.^۱

در مورد وجه تسمیه نهاوند سخنان مختلفی ذکر کرده‌اند: گروهی بر این باورند که واژه نهاوند در اصل «نوح آوند» بوده که به مرور زمان به نهاوند تبدیل شده است. این نظر را بیشتر تاریخ و جغرافی نویسان قرون اولیه اسلامی مطرح کرده؛ ولی اخیراً نیز برخی محققان بر صحت آن اصرار دارند.^۲

برخی دیگر معتقدند نهاوند مرکب از دو جزء «نه»، (به معنی شهر) به اضافه «آوند»، (به معنی ظرف) می‌باشد. در این صورت همچنان که «نه شاپور»، (نیشابور) به معنی «شهر شاپور» است، «نه آوند» (نهاوند) نیز به معنی «شهر ظروف»، (جایی که در آن

۱. شایان، سیاوش؛ معرفی شهرستان نهاوند؛ ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی علمیرادیان، ۱۳۷۵، ص ۵ - ۹.

۲. افراسیاب پور، علی اکبر؛ «نوح و نوحاوند؟»، فرهنگدان؛ س ۲، ش ۵ (پاییز ۱۳۷۹) ص ۱۱۸.

ظرفهای بسیار می ساخته‌اند) قلمداد می‌شود.^۱

نظر دیگر در مورد وجه تسمیه نهاوند را اولین بار احمد کسروی در یکی از مقالات خود بدین صورت ذکر کرده است که «نهاوند» مرکب از دو جزء «نَها»، (به معنی جلو) و «وند» که پسوند مکان است، می‌باشد.^۲ همچنان که «دماوند» نیز مرکب از دو جزء «دُما»، (به معنی پشت) و «وند» است.^۳

در مورد آغاز تاریخ در منطقه کنونی نهاوند باید گفت یکی از نقاطی که محققان تاریخ ایران برای آغاز تاریخ در ایران بر آن انگشت نهاده‌اند، در کنار تپه «سیلک» کاشان، تپه «حسنلو»ی ارومیه و... تپه «گیان» نهاوند است. در این تپه به کوشش رومن گریشمن و ژرژ کنتو، محققان فرانسوی، آثاری از چند تمدن و مردمی که حدود پنج هزار سال پیش از میلاد در منطقه می‌زیسته‌اند، به دست آمده است. پس از آن در دوره‌های متأخرتر تاریخ ایران (مادها و هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان) نهاوند همچنان به عنوان شهری آباد و پر رونق به حیات خود ادامه داده است.^۴

در جریان حفاریهایی که در دهه بیست در تپه مرکزی شهر به عمل آمد، تخته سنگی با کتیبه‌ای به خط یونانی از زمان «آنتیوخوس سوم»، پادشاه سلوکی به دست آمد که قسمتی از تاریخ باستانی نهاوند را بر ما آشکار می‌سازد.^۵ پیش از اسلام در دوره ساسانیان نیز چند ضرابخانه این سلسله در نهاوند قرار داشته، و خاندان «کارن» یا «قارن»

۱. بیات، عزیزالله؛ «نهاوند درگذر تاریخ»، مجموعه مقالات اولین همایش نهاوندشناسی (۱۳۲) گردآورنده اسماعیل شهبازی، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی علمیرادیان، ۱۳۷۶، ص ۷۷.

۲. کسروی تبریزی، احمد؛ «نهاوند و دماوند»، آینده؛ س ۱، ش ۷ (۱۳۰۴)، ص ۲۹. لازم به توضیح است که هنوز در بین مردم منطقه، «نَها» به معنی جلو و «دُما» به معنی پشت و عقب به کار می‌رود. احتمالاً در نامگذاری مکانهای فوق دوری و نزدیکی آنها به یک مکان خاص (مثلاً هگمتانه، همدان امروزی) مد نظر بوده است.

۳. در رابطه با وجه تسمیه نهاوند، نظریه دیگر از سوی احمد حامی بدین صورت ابراز شده که: نهاوند مرکب از سه جزء نی + آب + بند است و علت این نامگذاری هم این بوده که در منطقه به وفور بندهای کوچکی با استفاده از نی بر روی رودخانه‌ها می‌بسته‌اند.

۴. سیدان، سید شمس الدین؛ نهاوند در هزاره‌های تاریخ؛ ج ۱، تهران: مؤسسه آموزشی، فرهنگی هنری انتشاراتی آشتی، ۱۳۷۹.

۵. حاکمی، علی؛ «کتیبه بزرگ نهاوند»، مجله باستانشناسی؛ ش ۱، ۲ (بهار و تابستان ۱۳۳۸)، ص ۴-۸.

-یکی از خاندانهای هفتگانه مهم ایران باستان (اشکانیان - ساسانیان) - برای مدتی در این منطقه سکنا داشتند.^۱

در اواخر دوره ساسانیان که مصادف با حملات اعراب تازه مسلمان برای فتح ایران بود، نهاوند به خاطر موقعیت جغرافیایی خاصش و احتمالاً به خاطر اینکه توان پذیرایی از لشکر ایران را داشته، به عنوان اردوگاه سپاه ایرانی در مقابل سپاه اعراب مسلمان انتخاب شد. در جنگی که در سال ۲۱ هجری - قمری در این منطقه واقع شد و بعداً به «فتح الفتوح» مشهور گشت، سپاه ایران شکست خورد و پس از آن اسلام در تمام مملکت ایران گسترش پیدا کرد؛ به همین خاطر و از این جهت می توان نهاوند را دروازه ورود اسلام به ایران قلمداد کرد.

در قرون اولیه اسلامی تا مدتها از نهاوند به عنوان «ماه البصره» یاد شده است؛ زیرا عواید و مالیاتهایی که از آن گرفته می شد، به مصرف سپاه بصره، که مشغول فتوحات در ایران بودند و خانواده هایشان که در بصره به سر می بردند، می رسید.^۲ علاوه بر این در این دوره تا هتگامی که فتوحات ادامه داشته، از نهاوند به عنوان پایگاهی برای تمرکز نیروهای اعراب مسلمان و ارسال آنها به منظور فتح سایر شهرهای ایران استفاده می شد.^۳

پس از روی کار آمدن سلسله های نیمه مستقل و مستقل ایران (طاهریان، صفاریان...) نهاوند در زیر سایه این حکومتها و یا حکومتهای محلی چون: حسنویگان، برزیکانی^۴ همچنان به حیات خود ادامه داده است. چون پرداختن هر چند خلاصه وار به این دوره از حیات تاریخی نهاوند موجب اطناب بیش از حد کلام می گردد، بنابراین از آن صرف نظر می کنیم. خوانندگان علاقه مند می توانند برای اطلاعات بیشتر کتابهایی که در این مورد در

۱. نفیسی، سعید؛ تاریخ تمدن ایران ساسانی؛ ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۱، ص ۲۸۷.

۲. ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی ابن فقیه؛ ترجمه مختصر البلدان؛ بخش مربوط به ایران؛ ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.

۳. فرای، ریچارد نلسون؛ عصر زرین فرهنگ ایران؛ ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: سروش، ۱۳۵۸، ص ۷۶.

۴. یکی از طوایف کرد (حدود ۳۴۸ - ۴۰۶ ق.) که همزمان با حکومت آل بویه بر قسمتهایی از غرب کشور از جمله نهاوند حکومت می کردند.

دست است، از جمله کتاب نه‌اوند در هزاره‌های تاریخ؛ تألیف سید شمس‌الدین سیدان را مطالعه نمایند.

www.ketab.ir